

حق مخالفت برای همه هست، اما تهمت‌زدن چرا؟

شماره پرسش: ۲۳۵۸۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ ۰۰:۱۴:۱۶

متن پرسش

به نام خدای متعال جناب استاد عزیز، سلام علیکم. ماریشه شکل گیری داعش را در کینه و نفرت نسبت به امیرالمومنین علی علیه السلام می دانیم. کینه ای تاریخی که نشأت گرفته از تکبر ابلیس برای سجده بر آدم یعنی انسان کامل و آغاز جبهه طاغوت علیه ولایت شد. کینه ای که ریشه در عمق خلقت و هستی دارد. استاد گرامیم درک این مطلب برای چو منی بسیار مشکل است که یک فرد دلسپرده به انقلاب، امام و رهبری چگونه می تواند برچسب تکفیری و داعشی را بر پیشانی خود حمل نماید. ما بخوبی واقفیم که افراد (با روحیات مختلف) ممکن است به اشتباه بیاناتی یا تفکراتی داشته باشند اما استاد داوری و استاد عباسی هر که باشند در جبهه انقلاب بوده گرچه تفاوت فکری آنها در بعضی از حوزه ها از فرش تا عرش باشد. بسیاری چون من به عنوان یک فرد دلسپرده به انقلاب از خود شما یاد گرفته ایم که هر نظری و بیانی را چه از یک فیلسوف انقلابی و چه از یک تیورسین انقلابی کورکورانه نپذیریم. ما گرچه برای تمامی نیروهای انقلابی احترام قایلیم اما این بدان معنا نیست تا به طور احساسی تحت تاثیر نظریات آنها قرار گیریم. ما از فرهیخته گان و مصلحین انتظار داریم ظریفانه و در مواقع مورد نیاز انحرافات و اشتباهات را مدبرانه گوشزد نمایند که اگر غیر از این باشد خدای ناکرده موجب سرگردانی نیرو های انقلاب می شوند. استاد عزیز و دوست داشتنی ما: ما از شما می خواهیم همواره ملجا و پناهگاه فکری ما باشید و بمانید تا در روزهای سخت پیش رو، رهبری را یاری نماییم. والعاقت للمتقین

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که در جواب سؤال شماره‌ی ۲۳۵۷۴ عرض شد؛ و چنانچه آن کلیپ را ببینید، سخنان آقای عباسی موجب تنفر نسبت به امثال آقای دکتر داوری می‌شود و این غیر از انتقاد است. مشکل تفکر داعشی که مذهبی‌های ما را تهدید می‌کند، همین است که برداشت غیر خود از اسلام را کفر می‌داند. و متأسفانه ما مذهبی‌ها از این خطر دور نیستیم و هرچه ضربه می‌خوریم به خاطر همین روحیه است.

در این مورد بد نیست به سخنان آقای دکتر رضا داوری اردکانی که در نشست گرامیداشت سید احمد فردید در روزهای اخیر یعنی در بیست و هشتم بهمن در انجمن حکمت و فلسفه ایراد فرموده‌اند را ببینید که می‌فرمایند:

نظر آزاد است و هر کسی حق دارد با هر رای‌ی مخالف باشد. فلسفه که وحی نیست. مردم می‌توانند با هر فلسفه‌ای مخالف باشند و مخالفت کنند. اما نمی‌دانم سرنوشت جامعه ما چه شده که بحث فلسفی هم به دشمنی کشیده می‌شود. یعنی دیگر مخالفت و نقد نیست، بلکه دشمنی است. قهرا دشمنی به شخص کشیده می‌شود یعنی سخن، زبان و فلسفه رها می‌شود و شخص هدف قرار می‌گیرد. شخص است که هدف ملامت و تهمت قرار می‌گیرد.

تعبیراتی در این اواخر شده که آدم را به حیرت وادار می‌کند. یکی از عیب‌های ما، که همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که چند کتاب فلسفه می‌خوانیم، یاد می‌گیریم و این تبدیل به عادت فکری می‌شود. آن وقت هر فکر و فلسفه‌ای را با آن قیاس می‌کنیم و اگر در این رهیافت و میزان نگنجید، بنابراین آن فرد از این نظر مجرم است. یعنی مخالف من مجرم است. نظر من این است که قدری در مورد خود فکر کنیم که این حقی که به خود می‌دهیم، از کجا آورده‌ایم؟

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که زمانه آزادی است و همه حق مخالفت دارند. نه تنها در فلسفه بلکه در جاهای دیگر هم می‌توان نظر مخالف را ابراز کرد. اما تهمت زدن، بد گفتن و حکم کردن، نشانه بدی است»

موفق باشید